



افراد موفق چگونه فکر می کنند

نویسنده: جان سی مکسول | مترجم: سمان شاهین پور

فهرست

۶	مقدمه
۲۱	فصل اول تفکر کل نگر
۳۷	فصل دوم تفکر متمرکز
۵۵	فصل سوم تفکر خلاق
۷۳	فصل چهارم تفکر واقع‌گرا
۸۷	فصل پنجم تفکر استراتژیک
۱۰۳	فصل ششم تفکر امکان‌گرا
۱۱۹	فصل هفتم تفکر عمیق
۱۳۵	فصل هشتم تفکر عامیانه
۱۵۱	فصل نهم تفکر مشارکتی
۱۶۹	فصل دهم تفکر غیرخودخواهانه
۱۸۵	فصل یازدهم تفکر هدف‌گرا



مدیرانی که به طور مداوم از تفکر کل‌نگر بهره می‌گیرند، شانس بیشتری برای موفقیت دارند.

در هر سازمان، هر یک از افراد روحیات مختلفی دارد؛ شما معمولاً جزو کدام دسته قرار می‌گیرید؟

آینده‌نگر — کسی که چشم‌انداز مطلوب برای یک سازمان را درمی‌یابد و آن را ترسیم می‌کند یا بسط می‌دهد.

کارگزار آینده — کسی که کمک می‌کند چشم‌انداز با سازمان مرتبط شود.

پذیرنده‌ی قوی — کسی که چشم‌انداز را می‌گیرد و بلافاصله خود را با آن وفق می‌دهد.

پذیرنده‌ی متوسط — کسی که به زمان نیاز دارد تا بتواند این چشم‌انداز را بفهمد و آن را قبول کند.

پذیرنده‌ی ضعیف — کسی که برای قبول چشم‌انداز به دلیل و اثبات نیاز دارد.

ایرادجو — کسی که بیش از آن که همراهی کند، مبارزه و ایرادجویی می‌کند.

اگر جزو سه گروه آخر هستید، باید روی خودتان کار کنید تا به نگرش کلی برسید.

۲. تفکر کل‌نگر شما را در مسیر رسیدن به هدف نگه می‌دارد.

«توماس فولر»^۱، مشاور چارلز دوم، پادشاه انگلستان، می‌گوید: «کسی که همه‌جا هست، در واقع هیچ‌جا نیست.» برای این که بتوانید کارها را به اتمام برسانید، باید تمرکز کنید. با این حال، اگر می‌خواهید بتوانید کارها را به خوبی به اتمام برسانید نیز باید به نگرش کلی دقت کنید. می‌توانید تنها با توجه به آن و با انجام کارهای روزانه، در مسیر رسیدن به هدف باقی بمانید. «آلویس تافلر»^۲ می‌گوید: «باید زمانی که در حال انجام کارهای کوچک هستید، به چیزهای بزرگ فکر کنید تا همه‌ی آن کارهای کوچک در مسیر درست خود قرار گیرند.»

چه روالی در زندگی شما وجود دارد تا باعث شود روی اهداف بزرگ متمرکز بمانید؟ آیا همواره نوعی سنگ محک یا مرجعی دارید که بتوانید با استفاده از آن مطمئن شوید کار درستی انجام می‌دهید و با فعالیت‌های غیرضروری سرگرم نمی‌شوید؟

1. Thomas Fuller
2. Alvin Tofler

افراد هدفمند از ارزش‌های کلیدی، دستورالعمل اجرایی، مجموعه‌ی اهداف، یا هر چیزی که نگرش کلی را به یاد آن‌ها بیاورد، استفاده می‌کنند. شما چطور؟

۳. تفکر کل نگر باعث می‌شود آنچه را دیگران می‌بینند، ببینید.

یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که می‌توانید در روابط انسانی خود گسترش دهید، توانایی دیدن مسائل از نظر دیگران است. یکی از کلیده‌ای موفقیت در کار با مشتریان، اقناع خریداران، تداوم یک زندگی مشترک، تربیت کودکان، کمک به آن‌هایی که بی‌ضاعت هستند و ... همین توانمندی است. همه‌ی ارتباطات بشری با این توانایی که «خودتان را جای دیگران بگذارید» تسهیل می‌شود.

تا چه میزان می‌توانید از دید دیگران به مسائل بنگرید؟ در این زمینه چقدر موفق هستید؟
از ۱ تا ۱۰ به خودتان نمره دهید.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

اکنون از سه تن از دوستان، اعضای خانواده یا همکارانتان که مورد اعتماد و با شما صادق هستند بخواهید از ۱ تا ۱۰ به شما نمره دهند.

نام	نمره
_____	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
_____	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
_____	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

اگر تفاوت نمره‌ی آن‌ها با نمره‌ی شما، بیشتر از ۱ است، خودشناسی شما مشکل دارد. اگر نمرات شما پایین‌تر از ۶ است، باید روی این موضوع کار کنید.

۴. تفکر کل نگر کار تیمی را تقویت می‌کند.

اگر در هر نوع گروهی فعالیت می‌کنید، حتماً می‌دانید بسیار مهم است که اعضای تیم بتوانند علاوه بر نظر شخصی خود، نگرشی کلی داشته باشند. زمانی که فردی نمی‌داند کار او چقدر با هم‌تیمی‌هایش گره خورده است، کل تیم در خطر خواهند بود. هر چقدر فهم اعضای تیم از تصویر کلی آن تیم بهتر باشد، پتانسیل بیشتری برای همکاری با یکدیگر دارند.

آیا نقش شما در زمینه‌ی کاری‌تان، با اهداف کلان سازمانی که در آن کار می‌کنید، هماهنگ است؟ چگونه؟ با اهداف صنف کاری‌تان چطور؟ چرا افراد دیگری که جزئی از این فرایند هستند

نیز مهمند؟ (اگر نمی‌توانید دلیل اهمیت آن‌ها را توضیح دهید- یا بدتر از آن، نمی‌توانید اصلاً آن را ببینید - بنابراین ضعف تفکر کل‌نگر، پیشرفت شما در حرفه‌تان را محدود می‌کند).

۵. تفکر کل‌نگر مانع درگیر شدن شما با مسائل پیش پا افتاده می‌شود.

بیاپید با حقیقت روبه‌رو شویم: برخی از مسائل زندگی روزمره مطمئناً لازم و ضروری‌اند اما کاملاً خوشایند نیستند. افرادی که تفکر کل‌نگر دارند، دچار این روزمرگی نمی‌شوند، چون از چیزهای مهم چشم‌برنمی‌دارند. آن‌ها می‌دانند کسی که هدف و تصویر نهایی را فراموش کند، اسیر لحظه خواهد بود.

آیا کارهای پیش پا افتاده و زودگذر، شما را خسته کرده است؟ چگونه می‌توانید از تفکر کل‌نگر و توجه به هدف یا مأموریت خود بهره‌گیری را تارو حیه‌تان را از دست ندهید؟

۶. تفکر کل‌نگر کمک می‌کند که قلمروهای ناشناخته را کشف کنید.

آیا تا به حال این عبارت را شنیده‌اید: «هر وقت به پل رسیدیم همان موقع هم از آن عبور می‌کنیم.» بی‌شک این جمله از زبان فردی جاری شده که نگرش کلی نداشته است. این دنیا توسط کسانی بنا شده است که «در ذهنشان از پل‌ها گذشته‌اند» پیش از آن که کسی دیگر این کار را انجام داده باشد. تنها راه فتح قلمروهای جدید و قدم گذاشتن در آن‌ها، اندیشیدن فراتر از لحظه و داشتن نگرش کلی است.

چقدر زمان صرف می‌کنید تا روی اهداف آینده، ایده‌های خلاق، روش‌های جدید انجام کارها، توسعه‌ی سازمان و موارد مشابه آن فکر کنید؟ آیا بر این باورید که این کار، وظیفه‌ی شماست یا از دیگران خواسته‌اید این کار را برایتان انجام دهند؟ چرا؟ چگونه می‌توانید از تفکر کل‌نگر بهره‌برید تا بتوانید با تمرکز، تخصصی جدید به دست آورید؟

ارائه‌ی یک نمونه از تفکر خلاق

بیشتر مردم به اشتباه بر این باورند که اگر کسی به طور مادرزادی خلاقیت نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند خلاق باشد. اما این طور نیست؛ خلاقیت آموختنی است. در حقیقت، بعضی از مردم سخت تلاش می‌کنند تا بتوانند به تفکر خلاق برسند و ورای محدودیت‌ها ببیندیشند تا حدی که گاهی من تصور می‌کنم گویی اصلاً محدودیتی برای آن‌ها ترسیم نشده است.

مقاله‌ای می‌خواندم درباره‌ی گروهی از افرادی که یک شرکت بازاریابی در ریچموند ویرجینیا^۱، به نام «بازی»^۲ تأسیس کرده بودند. این شرکت مجموعه‌ای از خلاقیت‌ها را در خود داشت: اتاق کنفرانسش را اتاق بازی می‌نامیدند. کارکنان این شرکت برای خود عناوینی ابتکاری ساخته بودند؛ مانند «مدیر پروژه‌ی بعدی»، «صدای خرد»، «لطفاً بررسی کنید» و «۱/۲۱ جیگا وات»! آن‌ها انگیزه‌ی بسیاری برای کوهنوردی در آخر هفته، آموزش موج‌سواری یا هر کار دیگری که به نوعی با خلاقیت همراه است، داشتند. کارکنان این شرکت، مواقعی را که فضا سرشار از ایده‌های بسیار است و هرکسی برگه‌ای از افکارش را در دست دارد، «موجو»^۳ نامیده‌اند. آن‌ها پروژه‌ها را با زمان‌بندی‌شان، روی تابلوی اعلانات می‌نویسند و برای هر پروژه که دچار مشکلی شده یا عقب‌افتادگی در زمان دارد، «پرچم قرمز» را به اهتزاز درمی‌آورند و همه‌ی اعضای سازمان برای اتمام آن دست‌به‌کار می‌شوند. «کورتنی پیچ»^۴، یکی از کارکنان این شرکت می‌گوید: «تا زمانی که مسئول پروژه‌ای که پرچم قرمز دارد احساس راحتی نکند، هیچ‌کس به خانه نمی‌رود؛ مهم نیست این کار چقدر طول بکشد».

مؤسسان این شرکت، فضایی کم‌نظیر از خلاقیت را به وجود آورده‌اند. «بیل هاولند»^۵، مدیر تولید مرکز مدیریت خلاقانه که مسئول ارزیابی میزان پرورش خلاقیت در شرکت «بازی» است، می‌گوید: «نمره‌ی این شرکت فراتر از چارچوب‌های معمول است. طی شش سالی که در این مرکز مشغول به کار هستم، فضای هیچ شرکتی را تا این حد باز و خلاقانه ندیده‌ام.» ارزش‌های این شرکت مشخص است: مردم، «بازی» و سود؛ با همین ترتیب. «راب پیر»^۶، مسئول بخش تجاری شرکت می‌گوید: «کار کردن در اینجا، حس واقعی «نامحدودبودن» را به من می‌بخشد. ریسک کردن تشویق می‌شود و من این فرصت را دارم که قابلیت‌ها و توانمندی‌هایم را بروز دهم.»

1. Virginia, Richmond
3. Mojo
5. Bill Howland

2. Play
4. Courtney Page
6. Robb Pair

«اندی سفانوویچ»^۱، مؤسس شرکت، درباره‌ی چگونگی پرورش خلاقیت در شرکتش این‌طور توضیح می‌دهد: «ما مجمعی از افراد خلاق را به وجود می‌آوریم؛ نه این‌که خلاقیت را استعداد خاص افراد معدودی بدانیم.»

اکنون توصیه‌ی کارکنان این شرکت به دیگران برای پرورش خلاقیتشان چیست؟ «کارهای خلاقانه‌ی بیشتری ببینید و با جدیت روی آن‌ها فکر کنید.» این همان فرمولی است که همه‌ی ما می‌توانیم آن را بیاموزیم و اجرا کنیم.

- خیلی کار می‌برد.
 - فرصتی برای اشتباه کردن نداریم.
 - اداره و کنترل آن خیلی دشوار است.
 - تنها یک راه وجود دارد.
 - زمان نداریم.
 - پول نداریم.
 - بله، اما...
 - اشتباه آخر خط است.
- اگر گمان می‌کنید ایده‌ی بزرگی در ذهن دارید، نگذارید خلاقیت شما توسط خودتان یا دیگران بمیرد. از طرفی، اگر خود را وادار کنید در مسیر پیشین بمانید، نمی‌توانید کاری جدید و هیجان‌انگیز انجام دهید. فقط روی همان چیزهای گذشته کار نکنید بلکه تغییری ایجاد کنید.

۲. با پرسیدن سؤالات درست، خلاقانه بیندیشید.

به طور کلی، خلاقیت این است که سؤالات درست بپرسید؛ سؤالاتی مانند:

- چرا باید این کار، به «این شیوه» انجام شود؟
- علت این مشکل چیست؟
- مسائل اساسی شامل چه چیزهایی می‌شوند؟
- این موضوع چه چیزی را به من یادآوری می‌کند؟
- نظر مقابل یا مخالف این موضوع چیست؟
- از کدام نماد یا نشانه می‌توانم برای توضیح این موضوع کمک بگیرم؟
- چرا این موضوع مهم است؟
- سخت‌ترین یا گران‌ترین راه برای انجام این کار چیست؟
- چه کسی در این زمینه دید متفاوتی دارد؟
- اگر این کار را کاملاً به همین شکل انجام ندهیم، چه اتفاقی می‌افتد؟

«تام هرشفلد»^۱، فیزیکدان، می‌گوید: «اگر مدام نپرسید "چرا این؟" یکی پیدا می‌شود و می‌گوید "چرا شما؟"» اگر می‌خواهید خلاقانه بیندیشید، سؤالات خوب بپرسید. باید فرایندها را به چالش بکشید.

۳. محیطی خلاق ایجاد کنید.

«چارلی بروور»^۱، متخصص بازاریابی، می‌گوید: «ایده‌ی جدید بسیار شکننده و حساس است، با یک نیشخند یا خمیازه نابود می‌شود و با یک نیش و کنایه یا اخم در پیشانی فرد تصمیم‌گیرنده می‌میرد. محیط‌های منفی هزاران ایده‌ی بزرگ را در هر دقیقه می‌کشند.» به بیانی دیگر، محیط‌های خلاق مانند گلخانه عمل می‌کنند؛ تخم ایده در آن جا کاشته می‌شود، رشد می‌کند و گل می‌دهد. محیط خلاق:

- **خلاقیت را پرورش می‌دهد.** «دیوید هیلز»^۲، متخصص مدیریت، می‌گوید: «بر اساس مطالعاتی که روی خلاقیت انجام شده است، بزرگ‌ترین عاملی که سبب خلاقیت کارکنان یک شرکت می‌شود، این است که بدانند اجازه‌ی بروز خلاقیت خود را دارند.»
- **ارزش بالایی برای «اعتماد» به اعضای گروه و صداقت آن‌ها قائل است.** خلاقیت همواره با خطر شکست همراه است. به همین علت، اعتماد به افراد خلاق بسیار مهم است.
- **افراد خلاق را تحسین می‌کند.** افراد خلاق از چیزهای نامتعارف استقبال می‌کنند. با افراد خلاق چگونه باید رفتار کرد؟ توصیه‌ی «تام پیترز»^۳ این است: «افراد کودن را بیرون بیندازید و نابغه‌ها را تقویت کنید!»
- **نه تنها بر ابداع، بلکه بر نوآوری هم تمرکز می‌کند.** «سم وستون»^۴، خالق شخصیت تلویزیونی معروف و جذاب «جی.آی.جو»^۵، می‌گوید: «به راستی، ایده‌های شگفت‌انگیز کم هستند اما این دلیل نمی‌شود که خارج از حیطه‌ی خلاقیت قدم بردارید. تعریف من از خلاقیت، ترکیب منطقی دو چیز موجود است که نتیجه‌ی آن، یک چیز جدید خواهد بود.»
- **به افراد اجازه می‌دهد که خارج از چارچوب‌ها و محدودیت‌ها حرکت کنند.** بیشتر محدودیت‌هایی که با آن‌ها روبه‌رو هستیم، از سمت دیگران نیست؛ ما این محدودیت‌ها را برای خودمان ایجاد کرده‌ایم. معمولاً افرادی که خلاقیت ندارند جزو این دسته هستند. اگر می‌خواهید خلاقیت بیشتری داشته باشید، با محدودیت‌ها بجنگید.
- **به توانایی تخیل و رؤیای انسان‌ها اهمیت می‌دهد.** محیط خلاق، تخیل آزادانه‌ی انسان را پرورش می‌دهد. محیط خلاق این امکان را برای «مارتین لوتر کینگ»^۶ فراهم کرد تا با عمق احساسات سخنرانی کند و میلیون‌ها انسان را تحت تأثیر قرار دهد. او می‌گفت: «رؤیایی دارم»، نه این که «هدفی دارم.»

1. Charlie Brower
3. Tom Peters
5. G. I Joe

2. David Hills
4. Sam Weston
6. Martin Luther King Jr

۴. وقت خود را با افراد خلاق بگذرانید.

اگر محل کارتان، فضای خلاقانه‌ای نداشته باشد و شما توانایی کمی برای ایجاد تغییر در آن داشته باشید، چه می‌کنید؟ احتمال دارد کارتان را تغییر دهید، یا شاید بمانید و بدون توجه به محیط، به کارتان ادامه دهید. بهترین گزینه این است که راهی بیابید تا با افراد خلاق معاشرت کنید.

خلاقیت همه‌گیر است. آیا تا به حال توجه کرده‌اید که در یک طوفان مغزی موفق چه اتفاقی می‌افتد؟ فردی ایده‌ای را بیان می‌کند و دیگری از آن به عنوان سکوی پرش استفاده می‌کند تا ایده‌ی جدیدتری بیان کند. فرد دیگری پیدا می‌شود و ایده‌ی دوم را می‌گیرد و در مسیری بهتر از پیش قرار می‌دهد. در نهایت فردی می‌آید و همه‌ی این‌ها را جمع می‌کند و ارتقا می‌دهد. می‌توان با استفاده از فناوری‌های ارتباطی جدید، بازی بین ایده‌ها را انجام داد.

در نهایت، خواهید توانست مانند کسانی فکر کنید که روزی با آن‌ها هم‌نشینی داشتید. هر چه بیشتر با افراد خلاق معاشرت کنید و در کارهای خلاقانه مشارکت داشته باشید، خلاقیت بیشتری خواهید داشت.

۵. از محدوده‌ی خود فراتر بروید.

«کاترین هپبرن»^۱، بازیگر، می‌گوید: «اگر بخواهید به همه‌ی قاعده‌ها عمل کنید، از لذت‌ها دور می‌مانید.» گرچه نباید خلاف قوانینی که بسیاری از آن‌ها برای محافظت از ما وضع شده‌اند عمل کنیم، غیرعقلانه به نظر می‌رسد که بخواهیم در بند محدودیت‌های تحمیل‌شده از طرف خودمان بمانیم. افرادی که خلاقانه می‌اندیشند می‌دانند که باید مرتباً پا را فراتر از مسیر گذشته و محدوده‌ی شخصی خود بگذارند تا به ایده‌های خلاق و فوق‌العاده برسند.

1. Katharine Hepburn

همه دنبال افراد خوش فکر هستند؛ آن ها مشکلات را حل می کنند، همیشه ایده های دارند و همواره به آینده ای بهتر امیدوارند به ندرت می نزن آن ها را فریب، لذا با آن ها وسواس فکانه کرد خلاصه این که، افراد خوش فکر در کارشان موفق هستند. کسانی که در دستان شماست، برگردانی از کسانی با همین عنوان است و به شما نشان می دهد چگونه یک متفکر موفق باشید و زندگی و کار خود را متحول سازید.

هر فصل یکی از این باره نوع تفکر متعبر شده است:
• تفکر کل بگر • تفکر متعبرکز • تفکر خلاق • تفکر واقع گرا
• تفکر استراتژیک • تفکر امکان گرا • تفکر عمیق • تفکر عامیانه
• تفکر مشارکتی • تفکر شبر خودخوانانه • تفکر هدف گرا

